

سیمای حضرت زینب کبری (علیها السلام) در شعر آیین فارسی

احمد ذاکری^۱

محمدعلی رحیمی^۲

چکیده

معارف حسین (ع) از قرن سه و چهار و تقریباً همزمان با تولد زبان فارسی وارد شعر فارسی شد. اما معارف و نام ملیکه عرش نور النور حضرت زینب (علیها السلام) تا دوره صفویه در شعر فارسی حضور کمی دارد اگرچه همزمان با ورود نام امام حسین در شعر فارسی نام حضرت زینب نیز وارد شعر فارسی شده است. اما شعرا تا آن دوره موارد کلی از حسین (علیها السلام) و کربلا را مدنظر داشتند. در عهد صفویه نیز آنچنان که باید به شخصیت ایشان اشاره ای نشد. اما پس از صفویه و به ویژه از دوره قاجار نام و یاد این بانوی بزرگ در شعر فارسی رواج پیدا کرد و در دوره پهلوی نیز رواج بیشتری یافت. اما در سراسر این ادوار متاسفانه تنها چهره‌ای که از این بانوی بزرگ توسط شعرا به تصویر کشیده شد چهره ای غم زده، تازیانه خورده، افسرده و گریان است و نهایتاً ایشان را در موضع ضعف نشان داده‌اند. اما با پیروزی انقلاب اسلامی، نگاه شعرا به یک باره تغییر می‌کند و گویا روح انقلاب در ذهن شعرا رسوخ می‌کند و چهره بانوی کربلا از زنی محزون و غم‌زده به زنی عزتمند، باشکوه، مقتدر و پیامبرگونه تبدیل می‌شود و اگر چه هنوز جایگاه واقعی خود را نیافته؛ اما سیمای واقعی حضرت زینب (س) تا حدودی در شعر فارسی به جایگاه اصلی خود نزدیک می‌شود و شعرائی در مقام ایشان قلم فرسایی می‌کنند که نسبت به شعرای دوره های پیش آگاه تر و به تکامل زبانی در شعر نزدیکترند.

واژگان کلیدی

زینب کبری (س)، عزتمند، شعر آیینی.

1. Email: Ahmad.zakeri900@gmail.com

۱. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج

2. Email: Gol87_ali@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی کرج.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۸/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۲۷

طرح مسأله

امام حسین (ع)، سومین خورشید آسمان امامت، با تقدیم جان و مال خود و اهلیتتش به محضر خداوند عالی اعلا، جهان بشری را تا ابد وام دار حماسه آفرینی خویش کرد. گویا واژه های ایثار، شهادت و از خود گذشتگی با شهادت این ابر مرد عالم، بار معنایشان افزون گردید. به قطع و یقین باید گفت در شرح آنچه سیدالشهدا و اهلیتتش به انجام رساندند و تاریخ را حیرت زده کردند؛ اگر تا قیامت هزاران هزار کتاب و مقاله دیگر به رشته تحریر در آید؛ محال است بتوان گوشه ای از شخصیت این بزرگ مرد به تصویر کشیده شود و این حماسه عظیم ماندگار نمی شد، اگر پرچم کربلا پس از شهادت حضرت اباعبدالله الحسین بر دوش خاتون کربلا، حضرت زینب (س) نمی افتاد. چه زیبا گفته استاد توفیق ابو علم از علما اهل سنت مصری: «هر کس تاریخ زندگی و مبارزات عقیده بنی هاشم زینب (س) را به دقت بررسی نماید با ما هم عقیده خواهد بود، که نهضتی را که امام حسین (ع) علیه کفر و ارتداد برپا نمود، اگر زینب (س) نبود و وظایف سنگین خود را پس از شهادت برادر انجام نمی داد و سرپرستی زنان را در مراحل اسارت خانواده پیامبر در دست نمی گرفت چنین سامان نمی یافت و آن رستاخیز خونین به چنین نتیجه مطلوبی نمی رسید» آری خلود و جاودانگی نهضت حسینی تنها در گرو همت عالی این بانوی بزرگ است. (نبوی، ۱۳۹۲: ۱۷۳)

و خوب و به جا گفت علامه مامقانی که: و تو چه دانی زینب چیست و ما ادراک ما زینب (قائمی، ۱۳۸۶، ۱۵۶). «نامش را خدا انتخاب کرده» و از پستان علم و دانش شیر خورده (مقیمی، ۱۳۶۰: ۶۶) و در سایه امیرالمومنین رشد کرد. حق دارد اگر امام سجاد (ع) به او می گوید: تو عارفه کامله و عالمه غیر معلمه هستی (دستغیب شیرازی، ۱۳۵۲: ۱۷). اما از صبح تا عصر در مقابل چشمانش بزرگترین فاجعه بشری رخ می دهد و او شاهد و ناظر است. ذبح شدن فرزندان را دیده است. قطعه قطعه شدن برادران را دیده. او شاهد بوده که حسین (ع) خون گلوی شیرخواره را به آسمان پاشیده و عطش بچه ها جاننش را به لب آورده و عصر عاشورا از ضربات تازیانه تنش کبود شده. چون او سپر انسانی بچه ها و زن هاست تا آسیب نینند. او یک زن است، یک زن اما این همه مصیبت دیده. و با اینهمه

مصیبت دیدن علامه اسد حیدر می گوید: «زینب (س) با قلبی استوار و محکم و پا برجا در میان جمع حاضر شد و با صدای بلند و شیوا اهداف قیام امام حسین (ع) را آشکار نمود و مردم را با صراحت و روشنی و نفوذ کلام خود به یاد امام علی (ع) انداخت. او هرگز در موضع ضعف و زبونی و جایگاه زنی قرار نداشت که تاثیر و حزن او را از پای در آورد.» (نبوی، ۱۳۹۲: ۱۷)

اما او را نباید فقط و فقط در قاب کربلا دید. آشنایی با سیمای این بانو نیازمند مطالعه دقیق زندگی ایشان، از بدو تولد پر برکتش تا آخرین لحظه عمر ملکوتی ایشان است و چقدر زیبا گفته است آن نویسنده مسیحی، آنتون بارا که بیست و پنج سال از عمرش را صرف پژوهش در زندگی این بانوی مجلله کرده. می گوید: «به نظر این بنده، هر نوع پژوهش و بررسی برای پی بردن به مقامات و عظمت بانو زینب نباید منحصر به موضع گیری های او در حادثه عاشورا باشد؛ بلکه بایست کلیه رفتارها و تجلیات اخلاقی آن حضرت از جهات انسانی و مذهبی به گونه ای متناسب با شخصیت والای او مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد.» (آنتون بارا، ۱۳۹۳: ۱۶-۱۵)

اما... آری اما این بانوی مجلله خاتون کربلا و ملیکه عرش و فرش، نور النور است. یعنی دختر دو نور حیدر کرار و زهرای مرضیه (س). «و در زمانی محدود نیابت خاصه از امام زمان خود دارد» (نبوی، ۱۳۹۲: ۱۷۴ و قائمی، ۱۳۸۶: ۱۵۸) و همزمان آنقدر گرسنه مانده که نماز شبش را نشسته می خواند. دختر شهید، مادر شهید و خواهر شهید و عمه شهدا است. اما زبان به سخن که باز می کند آمران ظلم را کمر می شکنند و تیغ زبانش را با ذوالفقار علی مقایسه می کنند و عظمتش را چهارده معصوم ستوده اند. اما گرسنگی و تشنگی و تازیانه و سرما و گرمای راه و زخم زبانها و اهانتهای اسارت هیچ یک نتوانست خدشه ای به امانت داری او وارد کند.

حسین مظلوم (ع) روز عاشورا برنامه اش تمام شد؛ ولی شب عاشورای مجلله زینب (س)، را (با آنهمه سختی) بسنجید با شب بعدش. این مخدره در چه هنگامه ای گرفتار بود و گرفتاریها را حساب کنید. گرسنه، تشنه، داغدیده آنهم داغهای متعدد، در بیابان سرگردان جمع آوری بیچه های پریشان و مراقبت آنها، خدا چه قوت روحی به او داده

است که در مقام قوه عملی که از لوازم قوه علمی است تالی ندارد. (دستغیب شیرازی، ۱۳۵۲: ۳۰)

و همین زن با این همه داغ که بر جگر دارد در مجلس یزید لعنت ا... می ایستد و چنان یزید را تحقیر می کند که تاریخ را به حیرت وا می دارد. او خلیفه به ظاهر مسلمان ممالک اسلامی را به اسم صدا می کند و تحقیرش می کند. او یزید را پسر معاویه و... ای یزید ... خطاب می کند که معمول نبود بزرگان را به اسم صدا کنند و آن شکوه پوشالی را فرو می ریزد و با آن خطابه نشان می دهد که پشتوانه انقلاب حسینی است. (مقیمی، ۱۳۶۰: ۲۹۶-۲۹۴).

اگر از صبر او بخواهیم بگوئیم، مگر ما را این توان هست که از صبر و رضای او نمونه ها ذکر کنیم و آنچه که در این مختصر عرضه می شود تنها به عنوان نمونه است. شما زینب (س) را در نظر آورید که کسی نزد او محبوبتر از حسین (ع) نیست چنان است که حتی نمی تواند تصور مرگ او را داشته باشد. در شب عاشورا که شعر او را در مورد بی وفایی دنیا می شنود، بی تاب و بی طاقت می شود و آرزو می کند که نباشد و مرگ او را شاهد نگردد. همین زینب، آنجا که مسئله ادامه رسالت مطرح می گردد و صبر و رضا را از شرایط اساسی آن می داند، وارد قتلگاه می گردد، در میان سنگها و چوبها، شمشیر شکسته ها و نیزه شکسته ها، بدن برادرش را پیدا می کند. در برابرش دو زانو می نشیند دستها را زیر جنازه حسین (ع) می گذارد و آن را تا محاذی سینه بالا می آورد و این مناجات را می خواند: خداوندا این قربانی را از ما قبول بفرما و شما می بینید که در این شیوه از موضع گیری چه میزان صبر و رضا وجود دارد. (قائمی، ۱۳۸۶، ۱۳۶)

۱. بررسی ورود معارف مربوط به ایشان به شعر فارسی

شعرای فارسی زبان از ابتدای تولد زبان فارسی به عنوان یک زبان ادبی به مدح و ثنای اهل بیت (ع) پرداخته اند به شکلی که از اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم که آغاز شعر فارسی شعری را می بینیم که به مدح اهل بیت پرداخته اند و کسای مروزی به عنوان اولین کسی که در رثاء امام حسین (ع) شعر سروده مطرح است. (اسپرهم، ۱۳۹۱: ۷) اما بررسی آثار شعرای عاشورایی تا عصر صفویه نشان می دهد چون شعرای متقدم به کربلا و

معارف حسینی به چشم کلی نگاه کرده اند و حسین (ع) را آفتابی تابان می دیده اند به نام و سیره ستاره های در مدار ایشان کمتر پرداخته اند لذا خیلی کم و محدود می توان تا عصر صفویه نامی و یادی از حضرت زینب (س) در شعر فارسی یافت. حتی در عهد صفویه نیز اگر چه شاعرانی مثل محتشم کاشانی از ایشان یاد کرده اند و کار ارزشمندشان فتح بابیست برای شعرای ادوار بعد. اما باز هم ذکر و نام حضرت زینب (س) در شعر فارسی این عصر قابل توجه نبوده است و نیست اما از آنجا که مذهب رسمی ایران از عهد صفویه شیعه اثناعشریست به مرور شعرا در ورود معارف زینبی به ویژه در تعزیه ها و در شعر فارسی طبع آزمایی می کنند به ویژه در عصر قاجار رواج نام و یاد حضرت زینب در شعر فارسی دیده می شود. اما متأسفانه تا اواخر دوره پهلوی و ابتدای دوره انقلاب اسلامی شعرا عموماً بانوی کربلا را محزون، غمزده، گریان، تازیانه خورده و مجموعاً در موضع ضعف و اضطراب می بینند و عموماً از جنبه های عزتمندی و شکوه و همت این بانو غافلند و در محدود آثاری نهایتاً به وصف و توصیف شاعرانه درباره ایشان به این منوال به ایشان می پردازند و تصویری که از حضرت زینب (س) ارائه می شود؛ تا قبل از افقی که انقلاب اسلامی فرا روی شعر آئینی گشود، عمدتاً بر همین مدار می چرخد.

مدار حزن و ماتم و بیان مصائب که البته به جای خود لازم و تاثیر متناسب را هم بر توده های مردم می گذاشت اما نکته اینجاست که شخصیت و نقش جایگاه اصلی حضرت در این حلقه ها مفقود می ماند. اگر هم ذهن شاعری متوجه بعد حماسی شخصیت حضرت زینب (س) می شد؛ نهایتاً این بود که ایشان را مرد خطاب کند و بگوید تو زن نبودی بلکه شیر مرد بودی. این تلقی و تصویر از حضرت زینب در جریان شعرا انقلاب اسلامی، متحول می شود و ما با جایگاه واقعی و شان و نقش تاریخی آن حضرت روبرو می شویم شعر انقلاب برای خیمه گاه عاشورا دو ستون قائل است که یکی از آنها را امام حسین (ع) و دیگری را حضرت زینب (س) بر پا داشته اند و فقدان حضرت زینب منجر به فرو ریختن این خیمه در طول تاریخ می شود. به تعبیری کمال رسالت حسین (ع) با زینب (س) تحقق می یابد و در غیر این صورت کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود و صدای حسین (ع) به گوش تاریخ نمی رسید و حقیقت حماسه حسین (ع) در طوفان رنگ و ریا در محاق

ابرها پنهام می ماند و سیل انقلاب حسینیان به کوه فتنه برخورد می کرد. یا متوقف و یا از مسیر خود منحرف می شد و ذوالجناح دادخواهی و خهونخواهی حسینیان در بیابانهای غربت، بی سوار رها می ماند. (مجاهدی محمدعلی، ۱۳۹۲، پایگاه الکترونیکی حوزه هنری)

۱. بررسی آثار قبل از انقلاب اسلامی ایران

کسای مروز و سنایی غزنوی اولین شاعرانی هستند که نام بانوی کربلا را در شعر اشاره گونه آورده اند ولی تا عصر صفویه اشاره آنچنانی به ایشان نیست. (شرفشاهی، ۱۳۹۲: ۱۱۱) برجسته ترین شاعر آئینی عصر صفویه دردوازه بند معروفش و در بندهای پایانی اشاره ای به حضرت زینب دارد زمانی که ایشان به کنار قتلگاه می آید اندوه و سوز دل بانو را با سوزناک ترین بیان و البته با زبانی فاخر به تصویر می کشد.

ناگاه چشم دختر زهرا در آن میان بر پیکر شریف امام زمان فتاد
بی اختیار ناله هذا حسین زد سر زد چنان که آتش از او در جهان فتاد

اما در دوره قاجار حضور بانو در شعر فارسی رواج بیشتری می یابد که به برخی از این آثار اشاره ای می کنیم:

عبدالجواد جودی خراسانی

عبدالجواد جودی متخلص به جودی، از شاعران و شیفتگان اهل بیت (ع) است در نیمه دوم قرن دوازدهم متولد شده است و از مردم عنبران مشهد است وی طبعی بلند و روحی آزاد داشت اعظم اشعار او پیرامون کربلاست تحت عنوان از مدینه تا مدینه اشعار او ساده و روان و در خور فهم عوام و عموم مردم است. شعر زیر اثر اوست از زبان حضرت زینب که چند بیت یک غزل است. (محمدزاده مرضیه، ۱۳۸۳، دانش نامه شعر عاشورایی ص ۹۳۶)

مهماننداری اهل شام

می روم امروز از شهر شما ای اهل شام	باده خونین و چشم پر بکا ای اهل شام
در شب و روز برای ماغذا ای اهل شام	غیر اشک دیده و خوناب دل دیگر چه بود
غیر ظلم و کین ندیدیم از شما ای اهل شام	اهل بیت مصطفی بودیم و اندر روزگار
دست و پارانگین نمودید از حنای اهل شام	بی وفایی شماین بس که از قتل حسین

فرق ما مجروح شداندر سر بازارها بس زدیداز کین بما سنگ جفا ای اهل شام
نی همین جودی سراپاسوخت از ماتم چوشمع جان عالم سوخت از این ماجرای اهل شام
(غلامی، ۱۳۵۱: ۲۲۵)

غزلی زیبا و تاثیرگذار در روزهای خودش بوده. اما فقط جنبه های اندوه و غم در نظر گرفته شده. ولی حتی اشاره ای ناچیز به عزتمنی و عظمت رسالت بانوی کربلا ندارد.

۴-۱. نیر تبریزی

میرزا محمد تقی فرزند ملال محمد تبریزی مشهور به حجه الاسلام و متخلص به نیر از علمای تبخینه آذربایجان در سال ۱۲۴۷ ه.ق در تبریز متولد شد و در سن ۲۲ سالگی برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت وی در آسمان علم و ادب و عرفان خورشید تابان بود و در شعر آنقدر توانا بود که اشعارش را هنوز هم در مجالس اهل بیت می خوانند شعر زیر از روزگار خود تا امروز ورد زبان محبین اهل بیت بوده و هست. (محمدزاده، ۱۳۸۳: ۹۵۱)

زبان حال حضرت زینب (س)

اگر صبح قیامت راشبی هست، امشب است امشب
طیب از من ملول و جان ز حسرت بر لب است امشب
فلک از دور ناهنجار خود دلختی عنان برکش
شکایت های گوناگون مرا با کوب است امشب
برادر جان یکی سر بر کن از خواب و تماشا کن
که زینب بی تو چون در ذکر یارب یارب است امشب
جهان پر انقلاب و من غریب این دشت پر وحشت
تو در خواب خوش و بیمار در تاب و تب است امشب
سرت مهمان خولی و تنت با ساریان همدم
مرا با هر دواندر دل هزاران مطلب است امشب
بگو با ساریان دیگر نبندد محمل لیلا
ز زلف و عارض اکبر قمر در عقرب است امشب
صبا از من به زهر آگویی اشام غریبان بین
که گریان دیده دشمن به حال زینب است امشب
(غزوه، ۱۳۹۳: ۲۵۳)

این غزل فاخر آنقدر زبان محکم و تاثیر گذاری دارد تا همین امروز هم دوست داران بسیاری دارد. عمر این غزل بیش از ۱۵۰ سال است ولی هنوز هم گرما بخش مجالس اهل بیت است. اما آنچه در آن آشکار است حال حزن و اشک و غمزدگی عمه سادات است. و هیچ یک از سجایای اخلاقی بانومثل صبر عظیم ایشان در ابیات آن نیامده و هیچ اشاره ای هم به رسالت اصلی ایشان ندارد.

عمان سامانی

میرزا نورا... عمان سامانی ملقب به تاج الشعرا در سال ۱۲۵۸ ه.ق در سامان متولد شد و اگر چه پدر، عمو و جدش از شعرای سرشناس عهد ناصری بودند و همه در ادب و عرفان دستی داشتند اما اشتهار هیچ یک به عمان نمی رسد زبان عمان با تمام شاعران هم عصر فرق دارد وی از محبین عاشق اهل بیت محسوب می شود در یکی از مثنوی هایش حضور حضرت زینب (س) را درک می کنیم که چند بیت از آن در ادامه می آید.
(محمدزاده مرضیه، ۱۳۸۳، دانش نامه شعر عاشورایی، ص ۱۰۰۴)

خواهرش بر سینه و بر سر زنان رفت تا گیرد برادر را عنان
سیل اشکش بست بر شه راه را دود آهش کرد حیران شاه را

پس ز جان بر خواهر استقبال کرد تا رخس بوسد الف را دال کرد
همچو جان خود در آغوش کشید این سخن آهسته در گوشش دمید
کی عنان گیر من آیا زینبی یا که آه دردمندان در شبی

(عمان سامانی، ۱۳۸۲، گنجینه اسرار و قصاید عمان سامانی، ص ۷۶ و ۷۹)

عمان سامانی اگر چه خیلی نا چیز به ارزشهای وجودی بانوا اشاره دارد اما ایشان نیز غم و اندوه را تصویر اصلی سروده هایش در وصف حضرت زینب (س) قرار داده است.

دوره پهلوی

شاعران در دوره پهلوی نیز در ذکر و یاد حضرت زینب (س) طبع آزمایی داشتند و روند تکاملی در شعر این دوره به خوبی دیده می شود.

۵-۱. علی انسانی

علی انسانی فرزند اکبر در سال ۱۳۲۶ ه.ش در شهر کاشان و در یک خانواده مذهبی چشم به جهان گشود و در ۶ سالگی همراه خانواده به تهران آمد مشوقینش در سرودن شعر زنده یاد محمد علی فنا، مرحوم خوشدل تهرانی و زنده یاد استاد اوستا و استاد مشفق کاشانی بودند. او به لطف الهی در قید حیات است و امروز از بزرگان شعر آیینی به ویژه شعر هیئت محسوب می شود شعر زیر را که از زبان حضرت زینب است قبل از سال ۵۱ سروده است. (محمدزاده، ۱۴۲۷: ۱۳۸۳)

در سفر شام

رنجیده ای مگر که رخ از من نهان کنی	یا خواهی آنکه صبر مرا امتحان کنی
ای ماه آسمان ولایت حسین من	آخر کجا رواست که جابر سنان کنی
کردی عیان بخلق که قرآن ناطقم	دیگر چه حاجت است که آنرا بیان کنی
لب هاچو چوب خشک بهم می خورد چرا	گویا که زیر لب گله از ساربان کنی
خواهی که آفتاب نتابد بخواهرت	کز مرحمت سرت به سرم سایبان کنی
انسانیا پیوی به غیر از ره حسین	تا نام خویش را بجهان جاودان کنی

(غلامی، ۱۳۵۱: ۲۰۷)

تغییر زبان نسبت به دوره قاجار به زیبایی دیده می شود تا جایی که شاعر تقریباً در هر بیت نکته ای معرفتی جای داده است اما هنوز به بلوغ حماسی نرسیده است.

قاسم سروی ها

قاسم سروی ها متخلص به سروی فرزند حاج علی در سال ۱۳۰۴ ه.ش در مشهد متولد و سال ۱۳۴۸ از دانشکده الهیات مشهد لیسانس گرفت و به تدریس پرداخت شعر زیر که چند بیتی از غزل معروف و مشهور اوست قبل از سال ۵۱ سروده شده و آغاز تکامل زبان شعر زینبی است. (محمدزاده، ۱۳۸۳: ۱۲۴۰)

زینب آمدشام رایکباره ویران کردورفت	اهل عالم راز کارخویش حیران کردورفت
اززمین کربلاتا کوفه و شام بلا	هرکجا بنهادپا فتح نمایان کردورفت

فاش می گویم که آن بانوی عظمای دلیر از بیان خویش دشمن را هراسان کرد و رفت
خطبه غریبان فرمود در کاخ یزید کاخ استبداد را از ریشه ویران کرد و رفت

شام غرق عیش و عشرت بود در وقت ورود وقت رفتن شام را شام غریبان کرد و رفت
ز آتش دل بر مزار دختر سلطان عشق در وداع آخرین شمعی فروزان کرد و رفت
(فاطمیان، ۱۳۹۳، ۱۳۹۵)

اگر تاریخ سرودن این شعر بیان نشود خواننده گمان می کند این شعر مربوط به دهه
اخیر است اما این شعر قبل از سال ۵۱ سروده شده. می توان گفت انقلابی است در باورها و
نگاه شاعران نسبت به خاتون کربلا زینب. (س) این شعر که به رسالت بانوی کربلا اشاره
دارد. نشان از آغاز تغییر تفکر شاعران در نگاه به بانوی کربلا دارد.

۲-۵. سید رضا موید

سید رضا موید فرزند سید محمد متخلص به موید در سال ۱۳۲۱ ه.ش در مشهد در
خانواده ای مذهبی و علاقمند به امور دینی متولد شد وی از شاعران آستان اهل بیت به
شمار می رود شعر زیر سروده قبل از سال ۵۱ ایشان می باشد. چند بیتی از این غزل را با هم
می خوانیم. (محمدزاده، ۱۳۸۳، ۱۳۶۹)

شام یازدهم محرم و زبان حال حضرت زینب (س)

مرغ شب می نالدامشب بر من وافعال من خشک و ترمی سوزد از آه دل سوزان من
ماه می تابد ولی باهاله غم توام است گوئی ادا در دخیب از درد بی درمان من
از نهیب باد گلریز ستم در نصف روز گشت پریر هر گل و هر غنچه بستان من
خیمه هادر آتش و من در پناه خیمه ام کس نداند حال من جز خالق سبحان من
دختری آتش به دامن می رود در کوه ودشت کودکی از ترس جان افتاده در دامان من
(غلامی، ۱۳۵۱: ۱۷۱-۱۷۲)

اگرچه این غزل دیگر توصیف صرف نیست و زبانش با زبان دوره قاجار کمی
فرق کرده اما باز هم عزتمندی و شکوه بانوی کربلا مورد نظر قرار نگرفته در صورتی که

ایشان پس از انقلاب اسلامی نگاهشان کاملاً نسبت به این بزرگ بانو فرق می کند که در بخش مربوطه به آن خواهیم پرداخت.

شاعران زینبی عصر انقلاب اسلامی

زبان شاعران حضرت زینب با شروع انقلاب اسلامی گویا روح انقلاب را به شعرهای حضرت زینب تزریق کرد و به غنای اشعار زینبی افزود. در این بخش به سراغ شاعرانی خواهیم رفت که شعرشان معروف است نه نام و آوازه شاعر چرا که در هر تحقیق مشابهی دیده می شود به سراغ شاعران معروف می روند نه شعرهای زیبا به همین دلیل از یک شاعر آغاز می کنیم که شعرش از خودش معروفتر است.

۱-۶. قادر طهماسبی

قادر طهماسبی فرزند علی متخلص به فرید به سال ۱۳۳۱ هجری شمسی در شهرستان میانه دیده به جهان گشود تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود و بقیه را در سیستان تا سطح دیپلم رساند و لیسانس روانشناسی گرفت فعالیت های شعری خود را از دوره دبیرستان آغاز کرد غزل زیر که گل سرسبد سروده های اوست به گفته خودش در اواخر دهه شصت اولین بیتش در حرم علی بن موسی الرضا به او الهام شده است و عجب الهام ماندگاری. (محمدزاده، ۱۳۸۳، ۱۴۷۸)

سر نی در نینوا می ماند اگر زینب نبود	کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود
چهره سرخ حقیقت بعد از آن توفان رنگ	پشت ابری از ریا می ماند اگر زینب نبود
چشمه فریادمظلومیت لب تشنگان	در کویر تفته جا می ماند اگر زینب نبود
زخمه زخمی ترین فریاد در چنگ سکوت	از طراز نغمه وا می ماند اگر زینب نبود
در طلوع داغ اصغر استخوان اشک سرخ	در گلوی چشمها می ماند اگر زینب نبود
ذوالجناح دادخواهی بی سوارو بی لگام	در بیابان ها رها می ماند اگر زینب نبود
در عبور بستر تاریخ، سیل انقلاب	پشت کوه فتنه جا می ماند اگر زینب نبود

(طهماسبی قادر، ۱۳۷۸، ۲۴۹)

گویا میان این غزل و شعرهای زینبی عصر پهلوی و قاجار هزار سال فاصله است و سالهای سال این غزل شعر روز خواهد بود غزل آغازی برای تکامل زبان شاعرانه در شعر

زینیست محتوای شعر آنقدر کامل و سنگین است که سالها می‌کشد تا تفسیر آن جا باز کند اما زبان غزل زبانی است که شاعران را تحت تاثیر قرار داده و شعرهای از این جنس بعد از این غزل پشت سر هم متولد شده اند اوج جاذبه غزل آشکار شدن جایگاه والا و رسالت حقیقی حضرت زینب (س) است. نتهنها در این شعر بانوی کربلا غمزده معرفی نشده بلکه رسالت او هم شان رسالت امام حسین (ع) معرفی شده است زینب (س) در این غزل تاثیر گذار تکمیل کننده ی قیام حسین (ع) و یارانش معرفی شده است.

۲-۶. سید رضا مؤید

در بخش شعر دوره پهلوی به ایشان پرداخته ایم اما برای نشان دادن تکامل زبان ایشان و تغییر نگاهش به حضرت زینب (س) نسبت به قبل از انقلاب اسلامی شعری دیگر از ایشان می‌آوریم تا تفاوت زبان ایشان قبل و بعد از انقلاب آشکار شود.

حافظ خون شهیدان

عصر عاشورا شروع کربلای زینب است
ماجرای کربلا شرح بلای زینب است
صبر زینب آیت صبر خدای زینب است
شرح صدرش در نمی‌آید به فهم اهل دل
باغبان گلشن سرخ ولایت، اشک اوست
حافظ خون شهیدان گریه‌های زینب است
بر سرپا باز با صبر و رضای زینب است
پرچم سرخی که عاشورا به خاک و خون فتاد
خطبه‌ی او افتخار ملت اسلام شد
بانگ «الاسلام یعلوا»، در ندای زینب است
چون توانایی به ترک جان نبودش سر شکست
قتلگاه کوچک محمل، منای زینب است
(هاشمی، ۱۳۸۹: ۷۲۱)

گویا مؤید رسالت واقعی خود را در شعر برای حضرت زینب در این غزل یافته قبلاً از حزن و ضعف بانو می‌سرووده و حالا از عزت و بزرگمنشی بانوی کربلا. و در این شعر بانو را بهدرستی معرفی می‌کند.

۳-۶. محمد علی مجاهدی

محمد علی مجاهدی ملقب به شمس الدین و متخلص به پروانه در سال ۱۳۲۲ هجری شمسی در قم به دنیا آمد. پدرش میرزا محمد مجاهدی تبریزی بود. مجاهدی فعالیت شعری را از دبیرستان آغاز کرده و اهل پژوهش در شعر و ادب و عرفان نیز هست. قطعه‌ای از

مثنوی زیبای او را می خوانیم. (محمدزاده، ۱۳۸۳، ۱۳۸۰)

یادگار خیمه های سوخته

زینب ای شیرازه ی اُمّ الکتاب
از بیانت سربه سر توفان خشم
در کلامت، هیبت شیر خدا
خطبه هایت کرد ای اخت الولی
چون شنید آوای خشم را جرس
زینب ای شمع تمام افروخته
ای به کام تو، زبان بوتراب
نوح می دوزد به توفان تو چشم
در زبانست، ذوالفقار مرتضی
راستی را کار شمشیر علی
شد تهی از خویش و افتاد از نفس
یادگار خیمه های سوخته
(همان: ۱۳۸۶)

گویا شاعران پس از انقلاب از زینبی دیگر سخن می گویند آن بانوی گریان محزون و غمزده و مضطر حالا بانویی بزرگ و عزتمند و شریکه الحسین شده است.

۶-۴. غلامرضا سازگار

غلامرضا سازگار متولد ۱۳۲۰ در شهر قم می باشد از مجین اهل بیت عصمت و طهارت محسوب می شوند و عمری را در عرصه شعر خادم اهل بیت بوده اند مثنوی زیر از اشعار زینبی اوست قطعه ای از آن را می آوریم. (محمدزاده، ۱۳۸۳، ۱۳۵۰)

تو کیستی فروغ چراغ هدایتی
ناخوانده درس، عالمه ی علم عالمی
با چادرت به دایره حشر، سایبان
بودی ز خردسالی خود یاور حسین
فُلك نجات را به خدا ناخدا تویی
هم سنگر امام شهیدان قدم قدم
روز جهاد همره و همگام فاطمه
تو لنگر سفینه نوح ولایتی
مکتب نرفته، بحر وسیع روایتی
با معجرت به معرکه صبر، رایتی
هم خواهر حسینی و هم مادر حسین
بال و پر عروج به سوی خدا تویی
از ابتدا تو بودی و تا انتها تویی
هنگام خطبه هم نفس مرتضی تویی
(علیزاده، ۱۳۷۹: ۴۴)

شاعران عصر انقلاب چقدر به سیمای واقعی حضرت زینب (س) نزدیک شده اند و حاضر نیستند حتی یک بیت را بدون معارف این بانو رها کنند.

۵-۶. قنبر علی تابش

از شاعران افغانستان است متولد ۱۳۴۸ ه.ش سال ۱۳۶۵ برای ادامه تحصیل وارد ایران شد و در حوزه علمیه مشغول به تحصیل شد و همزمان به فعالیت های شعر و داستان پرداخت. (پایگاه اطلاع رسانی الکترونیکی تبیان زنجان)

غزل کوتاه زیر به رسالت اصلی حضرت زینب (س) پرداخته است و اثری از تضعیف و تحقیر حضرت زینب (س) در آن نیست.

کربلا باقی است

پرچم افتاده راز خاک و خون بالا کنم	کربلا باقیست باید خیمه ای برپا کنم
می روم تا چون قیامت شام را رسوا کنم	ماهتابم کهکشانی از ستاره درپی ام
بازبان شعله باید شام را فردا کنم	شام خون ریزاست در تاریخ سرخ آفتاب
مثل سوسن بایدش با صد زبان افشا کنم	کوفه، پیمان را چنان فرق علی درهم شکست
قطره قطره باید آن آیات را معنا کنم	آیه آیه خون قرآن می چکد از نیزه ها

(هاشمی، ۱۳۸۹: ۷۲۹)

بانوی کربلا در این شعر رسالتی الهی بر دوش دارد. گویا خداوند او را تکمیل کننده ی قیام کربلا قرار داده و او می رود تا رسالت خود را به انجام رساند.

۶-۶. قیصر امین پور

در دوم اردیبهشت ماه ۱۳۳۸ در خوزستان متولد شد در سال ۵۷ دیپلم تجربی گرفت پس از دو بار تغییر رشته در سال ۷۶ دکترای ادبیات دریافت کرد از مشوقین شعرای جوان به حساب می آمد و با انجمنهای مختلف شعر و حوزه هنری همکاری داشت سردبیر نشریات ادبی نیز بود. او در سال ۷۸ از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان یکی از بهترین شاعران دفاع مقدس در دهه ۶۰ و ۷۰ انتخاب شد.

(محمدزاده، ۱۳۸۳: ۱۵۳۱)

شاعر در مثنوی کوتاه زیر که در وصف بانوی کربلا سروده شده سعی دارد به شأن واقعی این بانو نزدیک شده و از تضعیف این مخدره والامقام دور شود.

دلش دریای صدها کهکشان صبر	غمش طوفان صدها آسمان ابر
دو چشم از گریه همچون ابر، خسته	ز دست صبر زینب صبر خسته

صدایش رنگ و بویی آشنا داشت طنین موج آیات خدا داشت
زبانش ذوالفقاری صیقلی بود صدا آینه صوت علی بود
چه گوشی می کند باور شنیدن خروشی این چنین مردانه از زن
به این پرسش نخواهد داد پاسخ مگر اندیشه ی اهل تناسخ
حلول روح او در جسم زینب علی دیگری با اسم زینب
(سابقی، ۱۳۹۴: ۳۵۱)

شاعران فارسی زبان پس از انقلاب اسلامی به شدت تحت تاثیر سجایای اخلاقی حضرت زینب (س) هستند و در بین این سجایای اخلاقی صبر بانو بیشترین تاثیر را بر شاعران گذاشته است.

۶-۷. عاکف قزوینی

دکتر احمد ذاکری متخلص به عاکف قزوینی دارای مدرک دکتری ادبیات فارسی با درجه دانشیار عضو هیئت علمی تمام وقت دانشگاه آزاد کرج از اساتید مبرز و صاحب ذوق در شعر فارسی است رباعیات سترگ و عزت مدار ایشان را در زیر می آوریم که چهره ای متفاوت از نورالنور حضرت زینب کبری (س) ارائه کرده اند.

ای هیچ ندیده غیر زیبایی را بر دوش کشیده فرطوبایی را
بانوی سترگ کربلا، نورالنور شرمنده نموده ای شکیبایی را

شیرازه ی کربلا اسیران بلا واگویی دستها و سرهای جدا
فریاد رسای سروهای بی سر دفترچه خاطرات خونهای خدا

آن ماه که خورشید خرد مستش بود هم کوثر و سدره در خم شصتش بود
قناده ی کربلا به زمزم می شست گهواره ی عقل و صبر در دستش بود

بانودر این چند رباعی در اوج عزت است . تا جایی که عقل و صبر در مقابل عظمت بان اطفالی معرفی می گردند که گاهواره جنبانشان بانوی کربلاست.

۸-۶. علی اکبر لطفیان

از شاعران امروز است که طبع لطیفش به همراه ارادت قلبی به اهلیت آثاری را خلق می‌کنند که سالهاست گوشنواز و دلنواز محبین اهل بیت هستند قطعه ای از شعر بلند او را در وصف بانو زینب (س) می‌خوانیم.

گفتیم آسمانی و دیدیم برتری	گفتیم آفتابی و دیدیم بهتری
گفتیم دختر اسدالله غالی	ایام کوفه آمد و دیدیم حیدری
تو از زمان کودکی ات تا بزرگی ات	شیوا ترین مفسر الله اکبری
تو از کدام طایفه هستی که مستقیم	فیض از حضور حلم خداوند میبری
بر شانه های سبز تو بار رسالت است	تو اولین پیمبر بعد از پیمبری
خورشید روی تو شرف مشرقین شد	یک نیمه ات حسن شد نیمت حسین شد

(لطفیان، ۱۳۹۳: ۲۸۷)

عظمت بانو را با زبان روایات بیان کرده است. و چه زیبا و چه ارزشمند رسالت ایشان به زبان شعر در آمده است.

۹-۶. مهدی رحیمی

مهدی رحیمی متولد سال ۱۳۵۲ شاعر دلجانی که عمر خود را صرف سرودن در مدح آل الله کرده است. غزل کوتاهی از او می‌خوانیم اما سراسر معرفت.

رو بروی لشکری از شمر تنها ایستاد	کوه را بر شانه هایش داشت اما ایستاد
گر چه لب هایش کویری بود لبریز از عطش	تشنگی را سوخت در خود مثل دریا ایستاد
کوفه خورش خواب رفت و لال شد آن‌جا که زن	پرده را از چهره اش برداشت، مولا ایستاد
حرف سرخش را تبسم بست بر چشم افق	تا ابد چون هر غروبی سرخ بر پا ایستاد
دست دور شعله‌ی خون حسینش حلقه کرد	سوخت اما شعله ای از کربلا را ایستاد

(پایگاه الکترونیکی شعر آیات غمزه)

این غزل هم عزت را به تصویر کشیده هم اندوه را اما زیان، زبانی فاخر و باشکوه است. بانو را زنی عزتمند تصویر کرده اما روضه هم خواننده ولی روضه خوانیش بانو را تحقیر نکرده.

فهرست منابع

۱. آنتون بارا، زینب فریاد فرمند، انصاری غلامحسین ترجمه، ویراسته، ویرایش اول، تهران، شرکت چاپ و نشر بین المللی، ۱۳۹۳.
۲. اسپرهم داوود، فصلنامه پژوهش های کلامی، شماره ۸، زمستان ۹۱.
۳. اشراقی زیبا، یادمان همزاد عاشقان جهان قیصر امین پور، تهران، نشر مروارید، ۱۳۹۰.
۴. بابا میری سیدمحمد، پلک صبوری، قم، نشر گنج عرفان، ۱۳۹۱.
۵. حسینی کوهساری سید اسحاق، پژوهش اسارت، ویرایش اول قم، مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۴.
۶. دستغیب شیرازی سید عبدالحسین، زندگانی فاطمه زهرا (س) و زینب کبری، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، ۱۳۹۳.
۷. سابقی محمد حنین، مرقد عقیده بنی هاشم، سلیم پور اهری ترجمه، ویرایش اول تهران انتشارات قدیم الاحسان، ۱۳۹۴.
۸. سامانی عمان، دیوان عمان سامانی، ویرایش دوم، تهران، انتشارات نهانندی، ۱۳۸۲.
۹. شرفشاهی کامران، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۶۷ و ۶۸، مقاله تجلی حضرت زینب در شعر عاشورایی، تهران، ۱۳۹۲.
۱۰. علیزاده حسین، جلوه صبر، مشهد، نشر علی زاده، ۱۳۷۹.
۱۱. غزوه علیرضا، من می گویم شما بگریید، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۳.
۱۲. غلامی محمد، قهرمان صبر مجموعه اشعار زینبی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات علمی، ۱۳۵۱.
۱۳. فاطمیان مصطفی، از سنگ ناله خیزد، تهران، شرکت چاپ و نشر بین المللی، ۱۳۹۳.
۱۴. لطیفیان علی اکبر، ۱۳۹۳، داریم با حسین حسین پیر می شویم، تهران، نشر جمهوری.
۱۵. قائمی علی، زندگانی حضرت زینب (س)، تهران انتشارات امیری، ۱۳۸۶.

۱۶. محمدزاده مرضیه، دانشنامه شعر عاشورایی، ویراست، جلد دوم، ویرایش دوم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶.

۱۷. مقیمی محمد، خطابه زینب کبری پشتوانه انقلاب حسین بن علی (ع)، تهران، انتشارات سعدی، ۱۳۶۰.

۱۸. هاشمی جواد، جرس فریاد می دارد، ۷۲۰ غزل عاشورایی، تهران، شرکت تعاونی کار آفرینان فرهنگ و هنر، ۱۳۸۹.

www.ayateghamze.ir

۱۹. پایگاه اشعار مذهبی آیات غمزه

www.artfest.ir

۲۰. پایگاه حوزه هنری انقلاب اسلامی

www.tebyan-zn.ir

۲۱. پایگاه تبیان زنجان